

تعلیم و تربیت اسلامی

پروانه عشقایی زاده

www.ketab.ir



شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۳۲۴۶۶



شماره: ۹۷۸-۲۰۱-۲۸۰۲-۲۲-۲

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	موضوع تعلیم و تربیت
۱۵	اهمیت تعلیم و تربیت
۱۶	رابطه‌ی تعلیم و تربیت
۱۸	تربیت‌پذیری انسان
۱۹	ویژگی‌های تربیت اسلامی
۲۵	۱: مسؤولیت والدین در تربیت کودک
۲۵	وفای به عهد
۲۶	تأمین زندگی کودک
۲۶	بهترین بخشش وارث
۲۷	مسؤولیت پدر
۲۸	تربیت کودک فریضه مذهبی است
۲۹	پدر خائن
۳۰	کمک به یزدان

- ۳۱..... پرورش ایمان
- ۳۳..... پیمان شکنی
- ۳۴..... وفای به عهد و وظیفه است
- ۳۶..... حقوق ملی و بشری
- ۳۷..... پیمان با مسلم یا کافر
- ۳۸..... پیمان با دشمن
- ۳۹..... وفاداری به پیمان
- ۴۰..... امان به دشمن در جنگ
- ۴۱..... تعهد یک سرباز
- ۴۲..... پیمان های اقتصادی
- ۴۲..... وثیقه ده هزار درهم
- ۴۳..... تعهد مردان با فضیلت
- ۴۴..... متهم بی گناه
- ۴۵..... عهد بستن به گواهی خدا
- ۴۶..... نجات از قتل
- ۴۷..... اثر وفای به عهد
- ۴۷..... زندگی بر اساس فضیلت
- ۴۸..... خشم خدا و خلق
- ۴۸..... پرورش وفای به عهد در کودک
- ۴۹..... تربیت در محیط پاک
- ۴۹..... مربیان پلید
- ۵۰..... اولین مدرسه کودک
- ۵۱..... وفا به وعده کودک

۵۲	پرورش فطریات کودک
۵۲	مربیان عهدشکن
۵۳	درس پیمان شکنی
۵۴	فربب دادن کودک
۵۵	خاطرات دوران کودکی
۵۵	نسبتهای ناروا
۵۶	انحراف عقیده
۵۸	اثر سخن آموزگار
۵۹	خاطرات کودکی
۶۱	۲: تربیت از منظر امام علی (علیه السلام)
۶۱	اصل تسهیل
۶۲	اصل تربیت عقلانی
۶۳	الانسان بعقله؛
۶۴	اصل تفکر
۶۷	اصل تدبیر
۶۸	اصل کرامت
۶۹	اصل عزت
۷۱	آسیب شناسی تربیت
۷۳	آسیب های فردی
۷۴	آسیب های اجتماعی
۷۷	آسیب های سیاسی
۸۰	آسیب های اقتصادی
۸۲	روش الگویی

۸۶	تأثیر گذاری الگوها در تربیت
۸۹	اصلاح نفس
۹۱	عدم شکاف بین گفتار و کردار
۹۳	۳: اصول حاکم بر رفتار و اعمال انسان
۹۳	تقوا
۹۳	دیدگاه تربیتی قرآن درباره تقوا
۹۹	الف) راههای دست یابی به تقوا
۱۰۶	ب) آثار رعایت تقوا
۱۱۳	صداقت در رفتار و کردار
۱۲۱	۴: چند حکایت تربیتی
۱۲۱	امیدواری ، شرط پیروزی
۱۲۲	تفاوت استعدادها
۱۲۳	برخورد با فرزندان شهدا
۱۲۴	دخترک دروغگو
۱۲۶	مهربانی به کودک در حال نماز
۱۲۷	تشویق کودک
۱۲۷	تکریم فرزند شهید
۱۲۹	نتیجه نام بد
۱۳۰	سعادت در رحم مادر
۱۳۱	اثر تربیت در کودک
۱۳۲	شخصیت دادن به کودک
۱۳۲	نبهی از سرزنش
۱۳۳	تامین معاش زندگی کودک ، عبادت است

۱۳۳	تأثیر نژادهای شایسته در تربیت کودک
۱۳۴	ملایمت با کودک
۱۳۵	استقبال از کودک
۱۳۵	خوشحال نمودن کودک
۱۳۶	تأثیر شیر دادن کودک در حال وضو
۱۳۷	۵۳- تأثیر محیط خانوادگی در تربیت کودک
۱۳۷	نقش مادر در تربیت کودک
۱۳۸	نام زیبا برای کودک
۱۳۹	پدری مهربان
۱۴۰	اثر ایمان در کودک
۱۴۰	اثر تربیت در کودک
۱۴۱	اثر توکل به خدا در کودک
۱۴۲	کودکی، رمز بزرگی حاتم طایی
۱۴۳	خداشناسی فطری در کودک
۱۴۴	حداقل حمل کودک
۱۴۵	نوازش یتیمان
۱۴۵	اهمیت سرپرستی از یتیم
۱۴۶	فرق گذاشتن در احترام بین پدر و پسر
۱۴۸	اصول تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری (ره)
۱۶۸	جمع‌بندی
۱۷۱	۵: فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی
۱۷۱	اصل خدا محوری
۱۷۲	اصل توجه به آخرت در عین توجه به دنیا

۱۷۳.....	اصل اعتدال در قرآن و نهج البلاغه.....
۱۷۵.....	اصل کرامت در قرآن کریم و نهج البلاغه.....
۱۷۵.....	کرامت محور تربیت.....
۱۷۸.....	فلسفه وجودی انسان از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه.....
۱۷۹.....	هدف آفرینش انسان در قرآن و نهج البلاغه.....
۱۸۴.....	اصل تدرج و تمکن در قرآن و نهج البلاغه.....
۱۸۶.....	روش مرحله ای کردن تکالیف.....
۱۸۶.....	اصل تسهیل و تیسیر در قرآن و نهج البلاغه.....
۱۸۷.....	اصل تعقل.....
۱۹۰.....	اصل تفکر در قرآن و نهج البلاغه.....
۱۹۱.....	فردیت و مسئولیت.....
۱۹۲.....	کل امری بما کسب رهن.....
۱۹۳.....	عمل گرایی و توجه به رفتار در قرآن و نهج البلاغه.....
۱۹۷.....	۶: روش های تربیت دینی کودکان.....
۲۰۱.....	تشویق و پاداش.....
۲۰۳.....	تأمین روحی، غریزه ای که باید ارضا شود.....
۲۰۴.....	رعایت اعتدال در تشویق.....
۲۰۶.....	منابع.....

مقدمه

تعلیم و تربیت، عبارت است از فراهم آوردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف های مطلوب و بر اساس برنامه ای سنجیده شده.^۱

با توجه به این که در مورد تعریف تعلیم و تربیت گذشته از تعریف یاد شده، نظریه های گوناگونی ارائه شده است، جهت آشنایی بیشتر خوانندگان، تعریف آن را از زبان چند صاحب نظر این علم (یا فن) بیان می داریم. بدیهی است که این صاحب نظران با توجه به دیدگاه خاص خود به تعریف موضوع پرداخته اند:

۱- افلاطون (۴۲۷-۳۴۶ ق. م) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعداد های طبیعی و شکوفا ساختن آنها.^۲

۱- ر.ک: فلسفه تعلیم و تربیت. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ج ۱، ص ۳۴۱-۳۶۶

۲- همان. ص ۱۶۷-۱۷۳

۲- ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق. م) گوید: تعلیم و تربیت مجموعه ای از اعمال است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می گیرد.^۱

۳- فارابی (۲۶۰-۳۳۹ ق. م) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه ی فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت.^۲

۴- بوعلی سینا (۳۷۳ تا ۴۲۸ هـ. ق) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شؤون اجتماعی، برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی.^۳

۵- از آرای تربیتی غزالی (۴۵۰-۵۰۵ هـ. ق) استفاده می شود که تعلیم و تربیت در دیدگاه ایشان عبارت است از نوعی تدبیر نفس و باطن از طریق اعتدال بخشی تدریجی به قوا و تمایلات به وسیله ی معرفت، ریاضت و استمرار، برای نیل به انس و قرب الهی.^۴

۶- در دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری، تعلیم پرورش و استقلال نیروی فکر دادن و زنده کردن قوه ابتکار متعلم است و تربیت، پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعداد های درونی که بالقوه در یک شیء

۱- همان، ص ۱۷۳-۱۷۸

۲- فلسفه تعلیم و تربیت ج ۱، ص ۴۶۱-۳۷۴

۳- رک: همان، ص ۳۸۴

۴- همان، ص ۲۰۵، جهت آگاهی بیشتر رک: فلسفه تعلیم و تربیت، دفتر همکاری حوزه و

دانشگاه، ج ۱، ص ۱۶۹-۲۰۵

موجود است؛ از این رو، کاربرد و اژه تربیت فقط در مورد جانداران صحیح است؛ زیرا غیر جانداران را نمی توان به مفهوم واقعی پرورش داد آن طور که یک گیاه یا حیوان و یا یک انسان را پرورش می دهند. از همین جا معلوم می شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا شود باید کوشید تا همان استعدادهایی که در آن هست بروز کند. بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای او است و این استعدادها در انسان عبارتند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع.^۱

موضوع تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت، به هر شکل که تعریف شود و هدف آن هر چه باشد، مستلزم ایجاد ویژگی ها و خصوصیات است که در مرتبی به عنوان یک انسان صورت می گیرد، بنابراین موضوع تعلیم و تربیت همان انسان است. لازمه ی تربیت، شناخت روح و روان و قوا و استعدادهای انسان است، و به گفته ی بعضی از صاحب نظران، تعلیم و تربیت به صورتی که در خور مقام و موقع انسان باشد، مستلزم شناخت انسان و مقام و موقع او در مراحل تطوّر نوعی و فردی است. از این رو، در آغاز کتب اخلاق از قبیل تهذیب الاخلاق، اخلاق ناصری، جامع السعادات و معراج السعاده موضوع معرفت نفس یا تجرّد نفس و قوای نفسانی مطرح گردیده است.

۱- ر.ک: تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۲۰-۲۲ و ۵۷-۶۹

البته بحث گسترده در مورد اثبات نفس و تجرد آن در حکمت نظری یا فلسفه صورت می گیرد، و در علم اخلاق به عنوان مبادی و اصول مورد پذیرش واقع می شود.

به طور کلی محور تعلیم و تربیت، روح و روان آدمیان است؛ چنان که جسم و ساز و کار آن در حیطه ی کارپزشکان است. هر چند بحث مبسوط درباره ی انسان در این مختصر نمی گنجد، ولی لازم است خطوط کلی انسان شناسی در ارتباط با تعلیم و تربیت را به اختصار و فهرست وار یادآور شویم. این خطوط کلی عبارتند از:

- ۱- انسان، مرکب است از روح و بدن و سر و عن.
- ۲- اصالت از آن روح آدمی است و روح، مجرد و مرتبط با عالم قدس است.
- ۳- میان جسم و روح آدمی، روابط مستحکمی وجود دارد.
- ۴- روح دارای قوای اصلی ادراکی، تمایلی، آزادی، توانایی و تحریکی است.
- ۵- انسان در همه ابعاد، در آغاز «استعداد» و «قوه» است و قابلیت رشد و فعلیت دارد.
- ۶- موضوع تعلیم و تربیت، روح انسان است از آن نظر که دارای استعداد و قوه است و باید به فعلیت مطلوب برسد و بدن هم نقش «اعدادی» دارد.
- ۷- جهان بینی ها و انسان شناسی ها، در ایدئولوژی، اخلاق و تعلیم و تربیت، تأثیر مهم و منطقی و نقش تأمی دارند.
- ۸- در جهان بینی و انسان شناسی اسلام، کمال اصلی انسان «شرف به حق» است و نیز میان دنیا و آخرت رابطه ای برقرار است که باید در همه ی شؤون منظور شود.^۱

۱- ر.ک: فلسفه ی تعلیم و تربیت، دفتر همکاری، ج ۱، ص ۵۲۳ با اندکی تغییر

اهمیت تعلیم و تربیت

درباره اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که شکوفا شدن استعدادها و به فعلیت رسیدن قوای آدمی و تحقق گوهر وجود او در گرو آن است. تعلیم و تربیت صحیح، شرط لازم کمال آدمی است. اگر آدمی زیر نظر مربیان الهی تربیت شود فرشته خو می گردد، و گاه از فرشتگان فراتر می رود و گرنه به قهقرا رفته، به مرتبه ی حیوانات و فروتر از آن تنزل خواهد کرد. رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادهای آدمی، منوط به تعلیم و تربیت صحیح است. نظر به اهمیت تعلیم و تربیت، بزرگان علم اخلاق، تعلیم و تربیت را «اشرف صناعات»^۱ و برترین دانش ها دانسته اند. ثمره ی تعلیم و تربیت صحیح به اصلاح فرد منحصر نمی شود، بلکه جامعه را هم متحول می کند. بانگرش دقیق به ساختار روحی و روانی انسان، ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت صحیح رخ می نماید؛ زیرا هر چند در نفس آدمی گرایش به خیر و شر وجود دارد و به تعبیر قرآن کریم، فجور و تقوا به او الهام گردیده است، اما گرایش یا آگاهی فطری به خیر و شر و سعادت و کمال، کفایت نمی کند؛ زیرا کمال و سعادت در پرتو تلاش و حرکت و تعلیم و تربیت به دست می آید. تربیت یا آموزش و پرورش، بارشد و تکامل، رابطه تنگاتنگی دارد؛ یعنی رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادها می شود آموزش و پرورش آن ها را تحقق می بخشد و جهت می دهد.^۱

انسان ناگزیر است اجتماعی زندگی کند و زندگی اجتماعی سالم، بدون تربیت صحیح غیر ممکن است. فرهنگ انسان، محصول و نتیجه ی تربیت یا آموزش و پرورش است و بین کیفیت فرهنگ هر جامعه و کیفیت

۱- مبانی روانشناختی تربیت، علی اکبر شعاری نژاد، ص ۲۳۸ و ۲۴۶.

تربیت آن، ارتباط مستقیم وجود دارد. برخورداری از شخصیت سالم و در نتیجه احساس آرامش و امنیت خاطر بدون تربیت سودمند امکان ندارد.^۱

رابطه ی تعلیم و تربیت

چنان که می دانیم کلمه ی تعلیم به معنی آموزش، و کلمه ی تربیت به معنی پرورش است و در گذشته به جای «آموزش و پرورش»، «تعلیم و تربیت» به کار می رفت.

در مورد این که آیا این دو واژه یک مفهوم و معنی را می رسانند یا آن که هر کدام بر عمل خاصی اطلاق می شوند و از یکدیگر جدا هستند، اختلاف است. معمولاً در طر عامه ی مردم این دو واژه از هم جدا هستند و هر یک بر عمل خاصی اطلاق می شوند.

تعلیم یا آموزش به یاد دادن موضوع ها و مهارت های خاص به دانش آموزان و دانشجویان گفته می شود، مانند آموزش ریاضی، فیزیک، شیمی، عربی، و تربیت یا پرورش، به آموزش های دینی و اخلاقی و انسان بار آوردن دانش آموزان و دانشجویان؛ ولی در روان شناسی اعتقاد بر این است که هر عملی که از انسان سر می زند به کل وجودش مربوط است و هر گونه تفکیک و جدایی در رفتار انسان، یک امر ذهنی یا تصویری است که با وجود واقعی انسان همخوانی ندارد.

هیچ یک از اعمال و رفتار و حرکات انسان را نمی توان یافت که با کل وجود او ارتباط نداشته باشد. در قرآن کریم نیز همیشه کل وجود انسان، مخاطب قرار گرفته است و خداوند او را به صورت یک کل یا واحد، مسؤول

قرار داده است، اگر چه برای تعبیر از این وحدت، کلمات گوناگون از قبیل: بنی آدم، انسان، نفس، قلب و... به کار برده است.

مربی یک کار بیشتر انجام نمی دهد و آن کمک به پیدایش «تغییر رفتار» در دانش آموز (یا مربی) است؛ اگر چه این عمل او را ممکن است با دو کلمه تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) تعبیر کرد.^۱

از سوی دیگر با نگرش دقیق در تعریف تربیت، می توان دریافت که تربیت هم مستلزم نوعی تعلیم است و مربی باید مربی را با حقایقی آشنا کند تا مربی با عمل به آن ها به رشد و پرورش ابعاد مختلف روحی و معنوی خود بپردازد. بدین جهت می توان گفت که تعلیم، شرط لازم تربیت است.

در قرآن کریم هر جا سخن از رسالت خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم) به میان آمده، تلاوت، تزکیه و تعلیم در کنار هم قرار گرفته و جز در یک مورد یعنی دعای حضرت ابراهیم (علیه السلام) در سایر موارد، تزکیه بر تعلیم مقدم گردیده است.^۲

تقدم تزکیه بر تعلیم، تقدم رتبی است نه زمانی؛ بدین معنی که تربیت و تهذیب و تزکیه ی نفس، نسبت به آموزش های فکری و ذهنی، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۱ - همان، ص ۲۴۱-۲۴۳، و نیز ر.ک: فلسفه آموزش و پرورش، از همان نویسنده، ص ۹۱.

۲ - در آیه شریفه مشتمل بر دعای حضرت ابراهیم علیه السلام می خوانیم: «ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمة و یتزککهم» بقره/ ۱۲۹ در مورد این که اگر از دیدگاه قرآن کریم، تزکیه بر تعلیم مقدم است؟ چرا در این آیه تعلیم بر تزکیه مقدم شده است، بعضی از مفسران پاسخ داده اند که آیه می مشتمل بر دعای حضرت ابراهیم در مقام بیان روش تربیتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیست، بلکه در مقام دعا و درخواست است، لذا این آیه با سایر آیات منافات ندارد.

تربیت پذیری انسان

اندیشمند فرزانه احمد بن مسکویه (متوفای ۴۲۱ هـ. ق) پس از تعریف خلق و تقسیم آن به دو قسم: طبیعی و مستفاد (یا اکتسابی) به اختلاف آرای پیشینیان در مورد امکان تغییر خلق و تربیت آدمی اشاره نموده و نظریه امکان تغییر خلق و تربیت پذیری انسان را اختیار می کند و می گوید:

این دیدگاه که اخلاق آدمی قابل تغییر نیست، خط بطلانی است بر نیروی تدبیر و تعقل، و کنار گذاشتن شیوه های تربیتی و رها کردن مردم به حال خود و این که در مورد آنان هیچ گونه تعلیم و تربیتی صورت نگیرد و این، کاری است که دشمنی آن بسیار آشکار است.

اساساً از خصوصیات آدمی «تحول و تطور پذیری» و قابلیت شکل گیری های گوناگون شخصیت است. انسان به گونه ای آفریده شده است که می تواند با آگاهی و آزادی در محدوده ای نسبتاً گسترده راه خویش را برگزیند: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان/ ۳) و در همان راه منتخب خود، شخصیت و هویت فکری، اخلاقی و فرهنگی خویش را شکل بخشد. اگر تکامل پذیری و قابلیت تغییر در طبیعت و گوهر وجود آدمی نبود، علم اخلاق و علوم تربیتی و مکاتب تربیتی همه بی معنا بود.^۱

مختار بودن انسان، نخستین اصل از اصول موضوعه و مبادی نظام اخلاق اسلامی است و این اصل از نظر تربیتی، اهمیت فراوان دارد و آدمی را از سستی و تنبلی و این که خود را محکوم عوامل جبری از قبیل جبر محیط یا جبر تاریخ یا قانون وراثت بداند و از خود سلب مسؤولیت کند، دور می سازد. از این رو در بررسی نظام اخلاقی اسلام، بیش از هر چیز باید بر

۱ - فلسفه تعلیم و تربیت، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۵۰۶، با تلخیص و اندکی تغییر

اختیار انسان تکیه کنیم و در فهم معارف اسلام از قبیل توحید، قضا و قدر و دیگر معارف که سهل انگاری در آنها ممکن است خسارت بار و انحراف آور باشد، کاملاً توجه داشته باشیم که مختار بودن انسان از بدیهی ترین اصول اخلاقی اسلام و از محکم ترین معارف اسلامی است، چرا که سراسر قرآن شهادت می دهد که با انسان به عنوان موجودی مختار سر و کار دارد. اصولاً خودسازی و تزکیه و تهذیب اخلاق وقتی برای انسان میسر است که معتقد به توانایی خود در به دست آوردن کمالات و ارزش ها باشد.^۱

ویژگی های تربیت اسلامی

۱- الهی بودن

سرچشمه ی تربیت اسلامی، وحی و تعالیم آسمانی است. قرآن کریم، کتاب تربیت و هدایت است و در این تردیدی نیست که هیچ کتابی به پایه ی قرآن کریم نمی رسد و تربیت اسلامی، تربیتی الهی است.

قرآن کریم تأکید می کند که تربیت و تزکیه ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) جنبه ی الهی و منشأ و حیانه دارد:

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین. جمعه/ ۲

اوست که در میان امیین، رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت می کند و آنان را تزکیه می نماید و کتاب و حکمت می آموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که خاتم پیامبران و

۱- رک: اخلاق در قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، ج ۱، ص ۲۱.

افضل آنان است، به طور مستقیم با منبع وحی مرتبط بود و خود نیز تحت تربیت ویژه الهی قرار داشت. به عبارت دیگر خدای سبحان، پیش از آن که این مربی بزرگ بشریت را مبعوث کند، او را از دوران کودکی تحت پوشش خاص تربیتی خود قرار داده و بزرگ ترین فرشته خود را با او همراه ساخته بود تا وی را به سلوک در مسیر مکارم و محاسن اخلاقی رهنمون شود.

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

و لقد قرن الله به (صلی الله علیه و آله و سلم) من لدن ان كان فطیما اعظم ملك من ما نكبه يسلك به طريق المكارم، و محاسن اخلاق العالم، ليله و نهاره.^۱

خدای متعال او را از هنگامی که از شیر باز گرفته شد با بزرگ ترین فرشته ای از فرشتگان خود

(روح القدس یا جبرئیل) همراه ساخت تا او را همواره شب و روز در طریق ارزش ها و اخلاق نیکوی عالم رهنمون گردد.

علی (علیه السلام) نیز که پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بزرگ ترین مربی بشریت است، خود را تابع و

تربیت یافته ی مکتب تربیتی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) معرفی می کند و می فرماید:

و لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل اثر امه، يرفع لي في كل يوم من اخلاقه علما، و يأمرني بالاعتداء به...^۲

من همواره همراه و ملازم او بودم. چنان که بچه شتر همواره ملازم

۱ - نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۹۲، ص ۳۰۰

۲ - نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۹۲، ص ۳۰۰

مادر است، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هر روز پرچمی (و به اصطلاح تابلویی) از اخلاق خود را پیش رویم فرامی داشت و مرا به پیروی از آن فرمان می داد.

البته، هنمودهای پیشوایان معصوم علیهم السلام که از آن به «سنت» تعبیر می شود، نیز منبع بسیار گسترده و غنی تربیت اسلامی است، زیرا قول، فعل و تقریر این مربیان بزرگ الهی در حقیقت به سرچشمه ی وحی متصل، و سازنده و ممر بخش است.

۲- شمول و جامعیت

مکاتب مختلف تربیتی هر کدام به یک جنبه از ابعاد و جودی انسان، توجه و از ابعاد دیگر غفلت کرده اند. در یک مکتب فلسفی که احیاناً در مورد ارزش شناسی هم نظر می دهد، چیزی جز چند اصل یا نظریه در مورد واقعیت جهان و حقیقت انسان، و مبحث شناختی و ارزش شناسی وجود ندارد. باین که اسلام یک مکتب فلسفی و قرآن یک کتاب فلسفی یا روان شناسی یا جامعه شناسی به معنای مصطلح نیست، ولی مشحون از اندیشه های فلسفی، تربیتی و جامعه شناسی است. در قرآن کریم درباره جهان، انسان، خدای مهربان، سرگذشت اقوام و ملل، فلسفه تاریخ، علل ترقی و سقوط تمدن ها، هدایت گری پیامبران و انحطاط کافران و مشرکان در اندیشه و عمل سخن رفته است.

برنامه های تربیتی اسلام شامل همه ابعاد و جودی انسان می شود و تمام نیازهای آدمی اعم از جسمی و روحی، دنیوی و اخروی در نظر گرفته شده است.

۳- هدایتگری

از ویژگی های بازار تعلیم و تربیت اسلامی، نقش هدایتی آن است.

قرآن، کتاب تربیت و هدایت است و درباره این نقش خود می فرماید:

۱- ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین (بقره / ۲)

این است کتابی که در (حقانیت) آن هم تردیدی نیست؛ و مایه ی هدایت تقوا پیشگان است.

۲- قد جاء تکم موعظة من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمة للمومنین (یونس / ۵۷)

ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان (به خدا) آمده است.

۴- خرد پروری

یکی از ویژگی های بارز و برجسته ی نظام تربیتی اسلام، تأکید فراوان بر روی عنصر عقل و خرد است.

در اسلام هم تعلیم و تربیت، عبادت است و هم تفکر. بلکه تفکر بالاترین و برترین عبادت به شمار آمده است «افضل العبادۃ التفکر» یا «لا عبادة کالتفکر»^۱ یا «کان اکثر عبادة ابي ذر التفکر»^۲ یا تفکر - صرف نظر از نتایج آن برای آدمی - خود فکر نیز رشد می کند و توسعه می یابد.

در قرآن کریم در بیش از ۱۸ آیه درباره تفکر، و در ۴۹ آیه در مورد تعقل، و در ۱۶ آیه در مورد اولواالباب، سخن گفته شده است.

یکی از تعابیر تربیتی قرآن، «تزکیه» است. معنای لفظی تزکیه، پاکیزه گردانیدن و رشد دادن است و مشتمل بر تربیت و پرورش است. قرآن کریم

۱- امالی طوسی. ج ۱، ص ۱۴۵.

۲- بحار الانوار. ج ۷۱، ص ۳۲۳.

در مورد نقش خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله و سلم) - که مربی بزرگ الهی است - سه تعبیر آورده است: تلاوت، تزکیه و تعلیم: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» (جمعه/ ۲)

یعنی اوست که در میان امیین، رسولی از خود آنان برانگیخت که آیاتش را بر آن تلاوت می کند و آنان را تزکیه می نماید و کتاب و حکمت می آموزد. از نظر اسلام، تعلیم بدون تفکر و تعقل، کافی نیست، تفکر بر روی مواد و مطالب فرا گرفته شده نیز لازم است.^۱